

سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران

حمید بهره‌مند*

چکیده

با مطالعات صورت‌گرفته در علم کیفرشناسی مشخص شده، مجازات حبس دارای آثار سوئی است که مرتکب جرم، خانواده او و در کل جامعه را متضرر می‌سازد و منافع آن کمتر از هزینه‌های آن است. از این‌رو، امروزه سیاست حبس‌زدایی به‌عنوان یکی از مصادیق کیفرزدایی مورد توجه سیاست‌گذاران عمومی بوده است. بررسی این سیاست در نظام قانون‌گذاری ایران در سطوح مختلف (اعم از اسناد بالادستی و قوانین عادی) و سیر تحولات صورت‌گرفته در این خصوص و قوانینی که همسو با این سیاست یا مغایر با آن به تصویب رسیده‌اند و پاسخ به این پرسش که قوانین موجود تا چه اندازه در راستای حبس‌زدایی بوده‌اند، موضوع این مقاله است. نگارنده با بررسی اسناد مذکور به این نتیجه رسیده که سیاست حبس‌زدایی که مورد تأکید اسناد بالادستی بوده، در لایه قانون‌گذاری به‌طور کامل پیاده نشده است و با اینکه خصوصاً در قانون مجازات اسلامی، نهادهایی برای اجرایی شدن این سیاست پیش‌بینی شده است، برخی از مقررات یا مانع اجرای موفقیت‌آمیز این سیاست یا کاملاً مغایر آن بوده‌اند. در پایان مقاله، پس از شناسایی خلأها و ایرادات قانونی، پیشنهادهایی جهت رفع آنها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی

حبس‌زدایی، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سیاست‌های کلی نظام، جایگزین‌های حبس، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظارت الکترونیکی، آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی

جستار‌گشایی

پس از اینکه مجازات حبس به‌عنوان اصلی‌ترین مجازات در زرادخانه کیفری درآمد و آزادی تن به‌عنوان اصلی‌ترین حق و آزادی مشمول محدودیت قرار گرفت، آثار سوء این مجازات مورد توجه حقوقدانان، جرم‌شناسان و کیفرشناسان قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین آثار سوء این مجازات، تأثیر مخربی است که بر اقتصاد خانواده و به تبع آن اقتصاد جامعه دارد. از سویی، امروزه با اینکه تلاش‌های فراوانی برای بهبود وضعیت زندان صورت گرفته است، اصلاح و درمان بزهکاران که به‌عنوان یکی از اهداف اصلی این مجازات مورد توجه بود، با تردیدهای جدی روبه‌رو شد (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۸) و تجربه به مدد آمار تکرار جرم نشان داد ارتکاب مکرر جرم به‌صورت حرفه‌ای بیشتر توسط کسانی که سابقه زندان داشته‌اند، اتفاق می‌افتد (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۹۶) و این مجازات نه‌تنها باعث بازپروری مجرمان نمی‌شود، بلکه در انتقال فرهنگ بزهکاری به مجرمان تازه‌کار و تبدیل آنها به مجرمان حرفه‌ای نیز مؤثر بوده است (مک‌شین و ویلیامز، ۱۳۸۱: ۱۶۰). علاوه بر این، بالا بودن تعداد زندانیان و مشکلاتی که در کشورهای مختلف در اداره زندان‌ها و تورم جمعیت آنها و تحمیل هزینه‌های کلان به بودجه عمومی ایجاد شده، دانشمندان علوم جنایی و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا به فکر راهکارهایی برای کاهش جمعیت زندانیان باشند (Albrecht, 2012: 1). بنابراین، شاید بتوان گفت مجازات حبس تنها بتواند ابزاری برای ناتوان‌سازی بزهکاران و جداکردن مجرمان خطرناک از جامعه و به عبارتی مدیریت خطر مجرمان در نظر گرفته شود.^(۱)

توجه به آثار سوء مجازات حبس و توجه به این نکته که قانون‌گذار با وضع مجازات حبس به‌عنوان یکی از مجازات‌های اصلی از نظام حقوقی اسلام فاصله گرفته (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۰: ۶۸) باعث شده است امروزه در کنار سیاست‌های جرم‌زدایی^۱ و قضازدایی^۲ که هر کدام به نحوی باعث می‌شود از مشتریان نظام کیفری کاسته شود، سیاست کیفرزدایی^۳ مورد توجه قانون‌گذار ایران قرار گیرد.^(۲) یکی از بارزترین مصادیق سیاست کیفرزدایی تبدیل مجازات حبس به مجازات‌های جایگزینی است که آثار سوء کمتری داشته باشد. این راهبرد که در سیاست‌های کلی نظام مورد توجه قرار گرفته است، در قوانین عادی نیز جلوه‌هایی داشته است. در این مقاله، پس از توجه به اسناد بالادستی مرتبط با این موضوع، سابقه این سیاست در قوانین عادی

-
1. Decriminalization
 2. Diversion
 3. Depenalization

بررسی و نهایتاً بازتاب آن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته و میزان توفیق قانون‌گذار در پیاده‌سازی این راهبرد ارزیابی خواهد شد.

۱. حبس‌زدایی در اسناد بالادستی

اگر بتوان اسناد بالادستی را شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام^(۳) و قوانین برنامه پنج‌ساله دانست، به نوعی در تمامی این اسناد به موضوع حبس‌زدایی اشاره شده است.

۱-۱. حبس‌زدایی در قانون اساسی

هرچند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره‌ای مستقیم به حبس‌زدایی نشده است، اما اتخاذ این سیاست را می‌توان به‌طور غیرمستقیم از اصل ۱۵۶ که بر اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین تأکید دارند استنباط کرد.

۱-۲. حبس‌زدایی در سیاست‌های کلی نظام

در سیاست‌های کلی نظام که به موجب بند «۱» از اصل (۱۱۰) قانون اساسی توسط رهبری ابلاغ می‌شوند، موضوع حبس‌زدایی بارها مورد تأکید قرار گرفته است. نخستین بار این موضوع در سال ۱۳۸۱ در سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی تصریح شده است. مطابق بند «۱۴»، «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرائم و کاهش استفاده از مجازات زندان» یکی از راهبردهای نظام برای دستیابی به امنیت قضایی بوده است. هفت سال بعد نیز مجدداً در سال ۱۳۸۸ سیاست کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری به این موضوع توجه داشته و در بند «۱۲» این سند «اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس‌زدایی» یکی از سیاست‌های کلی این دوره تعیین شده است. همچنین در سال ۱۳۹۴ در سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه هم در کنار «بهبود بخشیدن به وضعیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها» (بند ۶۵) مجدداً به اصلاح قوانین جهت حبس‌زدایی توجه شده است. مطابق بند «۶۴»، «بازنگری در قوانین جزایی به‌منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات‌های دیگر و متناسب‌سازی مجازات‌ها با جرائم» به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی در نظام قضایی ترسیم شده است.

۱-۳. حبس‌زدایی در قوانین برنامه توسعه

قانون‌گذار در تنظیم برنامه‌های توسعه به مجازات حبس و آثار منفی آن توجه داشته است. به لحاظ تاریخی ابتدا قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مقوله حبس‌زدایی البته با رویکرد درآمدزایی توجه داشت و به‌نوعی همان حکمی را که

در قوانین عادی پیش از انقلاب مقرر شده بود، احیا کرد.^(۴) در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ تنها به اصلاح وضعیت زندان و ایجاد محیط مناسب برای بازپروری و اصلاح توجه شد.^(۵) اما قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، هم بحث مهم جرم‌زدایی و کاستن از عناوین مجرمانه را مورد توجه قرار داد و هم قوه قضاییه را مکلف کرد، علاوه بر تهیه «لایحه جرم‌زدایی از قوانین کیفری»، «لایحه جایگزین‌های مجازات حبس» را تهیه و ارائه کند.^(۶) همان‌طور که در متن ماده (۱۳۰) این قانون ملاحظه می‌شود، هدف از این اقدام «بهره‌گیری از روش‌های نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و همچنین ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم» بوده است. به عبارت دیگر، قانون‌گذار جایگزینی مجازات حبس با مجازات‌های دیگر را جزء روش‌های نوین برای اصلاح و درمان می‌داند و از سویی مجازات‌های موجود را با جرائم نامتناسب می‌انگارد و علاوه بر تناسب میان جرم و مجازات، تناسب مجازات با شخصیت مرتکب جرم را به‌عنوان هدف و معیاری برای تعیین مجازات‌های جایگزین اعلام می‌کند.

اما در قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ قانون‌گذار با ملاحظه اینکه لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ به تصویب هیئت‌وزیران رسیده و به مجلس ارسال شده بود، به جای تأکید مجدد بر تهیه این لایحه به اموری چون استانداردسازی ضمانت اجرای کیفری و جایگزینی آنها با ضمانت اجرای غیرکیفری مؤثر و ارتقای بازدارندگی و جنبه اصلاحی مجازات حبس و اصلاح محیط زندان‌ها توجه شده است.^(۷)

۲. سابقه حبس‌زدایی در قوانین عادی

قانون‌گذار با توجه به آثار سوئی که در خصوص مجازات‌های حبس ملاحظه کرده است، در طول زمان مقرراتی را در نظر گرفته است که مانع اجرای مجازات حبس شود. این اقدامات را می‌توان در خصوص دو نوع حبس کوتاه‌مدت و بلندمدت ملاحظه کرد.

۲-۱. حبس‌زدایی از حبس‌های کوتاه‌مدت

با توجه به آثار سوء بیشتر حبس‌های کوتاه‌مدت^(۸) به این جهت که نه تنها موجب اصلاح و درمان بزهکاران نمی‌شد بلکه باعث انتقال فرهنگ مجرمانه به آنها می‌شد، در نخستین گام از اصلاحات قانونی، حذف حبس‌های کوتاه‌مدت در دستور کار قانون‌گذار قرار گرفت. نخستین قانونی که این سیاست را دنبال کرد «قانون امکان تبدیل حبس در امور خلافی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی» مصوب ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۷ بود. (آشوری،

۱۳۹۴: ۲۲۱). از آنجا که در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مجازات حبس از بیست و چهار ساعت تا یک هفته به عنوان مجازات خلاف^(۹) و مجازات حبس از یک هفته تا یک ماه را به عنوان مجازات جنحه کوچک^(۱۰) و حبس بیش از یک ماه را به عنوان مجازات جنحه مهم^(۱۱) در نظر گرفته بود، مطابق قانون فوق‌الذکر دادگاه در حبس‌های خلافی مطلقاً و در حبس‌هایی که مدت آنها کمتر از دو ماه یا کمتر بود باید در صورت تقاضای محکوم‌علیه آن را حسب مورد، هر روز حبس را به جزای نقدی از پنج قران تا دو تومان تبدیل کند. بنابراین، الزام دادگاه به تبدیل حبس منوط به تقاضای محکوم‌علیه بود.

در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون آیین‌نامه دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ اختیار تبدیل حبس‌های خلافی و حبس‌های دو ماه و کمتر از آن به جزای نقدی به دادگاه واگذار شد^(۱۲) و استثنای این حکم حبس‌هایی بود که تبدیل آنها به جزای نقدی در قانون منع شده بود.^(۱۳)

قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ با تعیین ۶۱ روز حبس به عنوان حداقل مجازات حبس جنحه‌ای^(۱۴) و حذف مجازات‌های حبس کمتر از آن مقرر کرد. هر گاه حداکثر مجازات حبس کمتر از این مدت باشد، به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال تبدیل خواهد شد و هر گاه حداکثر مجازات بیش از این مدت و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه می‌تواند یا به بیش از دو ماه حبس حکم دهد یا به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال و در صورتی که حبس توأم با جزای نقدی باشد هر دو جزای نقدی با هم جمع می‌شوند.^(۱۵)

در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ این حکم قانونی ذکر نشد تا اینکه این حکم همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، پس از حدود یک دهه در سال ۱۳۶۸ در بند «۱» تبصره «۱۷» قانون برنامه اول توسعه، مورد توجه قرار گرفت. این حکم مجدداً با تغییراتی در ماده (۳) «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» مصوب ۱۳۷۳ پیش‌بینی شد.^(۱۶) این تغییرات جزئی عبارت بودند از تبدیل حبس از ۶۱ روز به ۹۱ روز، تغییر مبلغ مورد نظر و همچنین افزودن تعزیرات مربوط به تخلفات رانندگی^(۱۷) به شمول حکم به الزام تبدیل حبس؛ بنابراین، مشاهده می‌شود حبس‌های کوتاه‌مدتی که از نظر قانون‌گذار نباید دیگر مورد حکم قرار بگیرند، حبس‌های سه ماه و کمتر از آن است.

با توجه به اختلافاتی که در اجرای این قانون ایجاد شد، دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ تصریح کرد: «به‌صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفندماه سال ۷۳ در موضوعات کیفری در صورتی که حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد،

دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزارویک ریال تا سه میلیون ریال بدهد، بنابراین تعیین مجازات حبس کمتر از نودویک روز برای متهم، مخالف نظر مقنن و روح قانون است و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات کمتر از مدت مزبور باشد می‌بایستی حکم به جزای نقدی بدهد...».

اما پرسشی که در خصوص این مقررات وجود داشت این بود که چنانچه حداقل مجازات جرمی بیش از سه ماه باشد و محاکم با اعمال مقررات تخفیف، بخواهند مجازات حبس را به کمتر از سه ماه تقلیل دهند، آیا امکان تعیین مجازات حبس وجود دارد یا اینکه با توجه به هدفی که قانون‌گذار در خصوص مجازات‌های حبس کمتر از ۹۱ روز دنبال می‌کرده است، تعیین مجازات حبس برخلاف این هدف بوده و ممنوع است. در این خصوص برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند نص صریحی مبنی بر ممنوعیت اعمال حبس کمتر از ۹۱ روز حبس در مواردی که حداقل مجازات بیش از این مدت است، وجود ندارد و بند «۲» ماده (۳) قانون وصول و رأی وحدت رویه مذکور نیز ممنوعیتی از این جهت ایجاد نکرده است (مالمیر، ۱۳۸۷: ۲۶۸).

۲-۲. حبس‌زدایی از سایر حبس‌ها

علاوه بر حبس‌های کوتاه‌مدت، قانون‌گذار از اقدامات دیگری نیز که موجب کاستن مجازات‌های حبس می‌شد، استفاده کرده است. این اقدامات که بعضاً جایگزین‌های سنتی حبس^(۱۸) نامیده شده‌اند، از ابتدای قانون‌گذاری مورد توجه بوده‌اند. این جایگزین‌ها شامل عفو، تخفیف مجازات در قالب تبدیل حبس به مجازات‌های دیگر مانند جزای نقدی،^(۱۹) آزادی مشروط^(۲۰) و تعلیق مجازات^(۲۱) می‌شوند. اما در کنار جایگزین‌های سنتی، امروز از جایگزین‌های نوین یاد می‌شود که در قوانین پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نشانی از آنها مشاهده نمی‌شود. این موارد شامل تعویق تعقیب، میانجی‌گری، تعلیق مراقبتی فشرده، کار عام‌المنفعه، جریمه‌های روزانه، بازداشت خانگی، نظارت الکترونیکی، پادگان‌های آموزشی-اصلاحی و درمان می‌شوند (آشوری، ۱۳۹۴: ۲۲۹).

۳. رویکرد قانون‌گذار در خصوص حبس‌زدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قانون‌گذار از سویی اقدام به وضع مقرراتی کرده است که موجب کاستن شدن میزان حبس‌ها می‌شود و از سوی دیگر وضع برخی از مقررات به حبس‌زدایی منتهی شده است. از این‌رو، در ادامه این دو دسته از مقررات مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳-۱. مقررات حبس‌زا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قبل از بررسی مقررات قانونی، لازم به ذکر است، قانون‌گذار در مصوبه اولیه‌ای که به شورای نگهبان ارسال کرده بود، ماده‌ای را پیش‌بینی کرده بود که با ایراد شورای نگهبان روبه‌رو و در نهایت حذف شد.^(۲۲) با توجه به درجه‌بندی تعزیرات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تعیین تکلیف راجع به مجازات‌های مذکور در قوانین موجود مورد بحث قرار گرفت. نخستین راهکاری که در مصوبه اولیه مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۷ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در این خصوص ارائه شد، در ماده ۲۱۵ این مصوبه گنجانده شد.^(۲۳) مطابق این ماده درجه هر مجازات با توجه به اینکه حداکثر آن مجازات داخل در چه درجه‌ای باشد، تعیین می‌شد. به این ترتیب برای مثال، مجازات حبس کلاهبرداری ساده که در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری یک تا هفت سال پیش‌بینی شده بود، با توجه به ماده مذکور درجه ۴ محسوب شده و به حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال تبدیل می‌شد یا حبس جرم سرقت موضوع ماده (۶۵۲) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی که از سه ماه تا ۱۰ سال بود، نیز درجه ۴ محسوب و به حبس از ۵ تا ۱۰ سال تبدیل می‌شد.

طبیعی است در چنین وضعیتی حداقل بسیاری از مجازات‌ها و همچنین حداکثر شماری از مجازات‌ها افزایش یافته و قضات در عمل مجبور می‌شدند مجازات حبس سنگینی را برای مجرمان در نظر بگیرند. توجه به این موضوع باعث شد، شورای نگهبان در اقدامی سنجیده، مقررات این ماده را مغایر با سیاست‌های کلی نظام در امور قضایی اعلام کند (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۱). این ایراد باعث شد، قانون‌گذار با حذف این ماده و افزودن تبصره‌ای ذیل ماده (۱۹)، درجات موضوع این ماده را با توجه به حداکثر مجازات هر جرم تعیین کند، لکن این تعیین درجه به معنای دخل و تصرف در حداقل و حداکثر مجازات‌های فعلی نیست.

افزون بر این، قانون‌گذار با اصلاحاتی که در مقررات پیشین به عمل آورده است، عملاً در مواردی موجب شده است، حبس‌هایی که با اعمال نهادهای ارفاقی، قابل تبدیل به مجازات‌های دیگر بودند، دیگر قابل تبدیل نباشند و در عمل موجب افزایش ورودی‌های زندان شود. مطابق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰^(۲۴) قضات در تخفیف مجازات‌ها (اعم از تقلیل و تبدیل) اختیاری مطلق داشتند.^(۲۵) اما قانون‌گذار این اختیار قضات را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقید کرده است و به‌نوعی سیاستی که در قوانین پیش از انقلاب اجرا می‌شد، مجدداً به کار گرفته شد. البته تفاوتی که میان قانون ۱۳۵۲ و قانون ۱۳۹۲ وجود دارد آن است که در قانون سابق امکان تبدیل مجازات‌های حبس کوتاه‌مدت (جنحه‌ای) به جزای نقدی وجود داشته است، اما مطابق بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^(۲۶) در مجازات حبس تنها امکان

تقلیل مجازات وجود دارد و حتی حبس‌های کوتاه‌مدت را نمی‌توان به مجازات دیگری چون جزای نقدی تبدیل کرد.

البته باید توجه داشت در خصوص تعزیرات درجه ۷ و ۸ (حبس‌های زیر شش ماه) امکان استفاده از معافیت از مجازات (موضوع ماده ۳۹) و همچنین تعیین مجازات جایگزین حبس به شرحی که در ادامه مقاله خواهد آمد، وجود دارد، اما در برخی از موارد که قاضی معافیت کلی از مجازات را صلاح نمی‌داند و مجازات جایگزین هم بنا به دلایلی (مثل اینکه جرم از جرائم علیه امنیت یا شخص دارای سابقه کیفری باشد) ممکن نیست، لاجرم مجرم باید مجازات حبس کوتاه‌مدت را تحمل کند. بنابراین، سیاستی که پیش‌تر در خصوص ممنوعیت حبس‌های کوتاه‌مدت اعمال می‌شد با وضع مقررات تخفیف مجازات نقض شده است.

در خصوص حبس‌های بلندمدت هم با توجه به ممنوعیت تبدیل مجازات حبس به سایر مجازات‌ها، میزان ورودی زندان‌ها منطقاً افزایش می‌یابد. همچنین با توجه به اینکه قاضی امکان تقلیل مجازات حبس تا سه درجه را دارد، امکان تبدیل حبس‌های بلندمدت به حبس‌های کوتاه‌مدت نیز وجود دارد. برای مثال، در جرائم تعزیری درجه ۵، مجازات حبس قانونی ۲ تا ۵ سال، با اعمال مقررات تخفیف می‌تواند به حبس درجه ۸ (حداکثر تا سه ماه) تبدیل شود و با توجه به زبان‌هایی که برای این نوع مجازات حبس بیان شده است، نه از شدت مجازات متناسب با جرم به‌عنوان عاملی بازدارنده یا تنبیه‌کننده صیانت شده و نه از آثار سوء حبس‌های کوتاه‌مدت جلوگیری شده است.

همچنین با توجه به تبصره «۳» ماده (۱۳۴) و ماده (۱۳۹) برخلاف مقررات قانون ۱۳۷۰ و ۱۳۶۱ برای تخفیف مجازات مرتکبین جرائم متعدد و مرتکبین تکرار حداقل‌هایی در نظر گرفته شده و اختیار مطلق قضات در اعمال تخفیف مجازات مقید شده است. افزون بر این، در مقررات تعدد و تکرار جرم تشدیدهایی پیش‌بینی شده است که منطقاً موجب افزایش مجازات حبس در آرای محاکم و ازدیاد جمعیت کیفری می‌شود. اما باید توجه داشت تشدید مجازات و مقید کردن میزان تخفیف در این موارد اخیر، مطابق با سیاست جنایی سنجیده‌ای است که قانون‌گذاران برای نیل به اهداف مجازات‌ها اتخاذ می‌کنند و در واقع قانون‌گذار با وضع این مقررات به دنبال اصلاح خلأهای قانون سابق بوده است.^(۲۷)

مقررات دیگری که می‌تواند اثر حبس‌زایی داشته باشد، ضمانت اجرایی است که قانون‌گذار در خصوص عدم رعایت مفاد حکم مربوط به مجازات‌های تکمیلی پیش‌بینی کرده است. مطابق ماده (۲۴) قانون مجازات اسلامی، چنانچه محکوم مفاد حکم مربوط را رعایت نکند در صورت تکرار بقیه محکومیتش به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل خواهد شد. به نظر می‌رسد

با توجه به هدفی که مجازات‌های تکمیلی دنبال می‌کنند، نه تنها وضع ضمانت اجرای حبس در کنار جزای نقدی برای تخلف متناسب به نظر نمی‌رسد، بلکه موجب ازدیاد ورودی زندان‌ها خواهد شد.

۳-۲. مقررات حبس زدا در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

همان‌طور که پیش‌تر هم بیان شد، اقدامات جایگزین حبس در دو قالب جایگزین‌های سنتی و جایگزین‌های نوین مورد توجه قرار گرفته‌اند. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از هر دو قالب جایگزین‌ها استفاده کرده است، لذا برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، مقررات این قانون، در دو قالب جایگزین‌های سنتی موجود در قوانین سابق و جایگزین‌های ابداعی قانون جدید مطالعه خواهند شد. توضیح آنکه برخی از مقررات قانون جدید مانند معافیت و توبه در دسته‌بندی اقدامات جایگزین نوین قرار نمی‌گیرند، ولی چون از ابداعات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است در ذیل این بحث مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۳-۲-۱. جایگزین‌های سنتی حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

معمولاً وقتی سخن از این نوع جایگزین‌ها می‌شود آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، جزای نقدی،^(۲۸) عفو و تخفیف مورد توجه قرار می‌گیرند. همان‌طور که در مباحث گذشته بیان شد مقررات مربوط به این نهادها بعضاً از زمان تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و بعضاً پس از آن مورد توجه قانون‌گذار بوده است.

در خصوص عفو، مقررات قانون جدید تغییر خاصی نسبت به قانون سابق ندارد. اما همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، مقررات تخفیف مجازات به جای آنکه اقدامی جهت حبس‌زدایی باشد، موجب حبس‌زدایی شده است.

در خصوص آزادی مشروط قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ مقررات مساعدتری برای کاهش جمعیت زندان اتخاذ کرده است. توضیح آنکه برخلاف قانون ۱۳۷۰، ضرورتی ندارد که محکوم برای بار نخست مرتکب جرم شده باشد و آنچه شرط شده این است که پیش از این از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد. بنابراین، ممکن است شخصی چندین بار مرتکب جرم شده باشد، اما چون قبلاً از آزادی مشروط استفاده نکرده است، می‌تواند مشمول این مقررات باشد. نکته دوم مدت حبسی است که زندانی باید قبل از استفاده از آزادی مشروط تحمل کرده باشد. برخلاف قانون ۱۳۷۰ که شخص برای برخورداری از امتیاز آزادی مشروط در تمامی موارد، باید نصف مجازات را تحمل می‌کرد، در قانون جدید، این شرط تنها برای حبس‌های بالای ده سال اعمال می‌شود و در سایر حبس‌ها، کافی است محکوم یک‌سوم از حبس خود را متحمل شده باشد. همچنین در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت دستورهای دادگاه در بار نخست، در

قانون جدید به جای به اجرای درآمدن مدت باقیمانده از محکومیت، افزودن مدت یک تا دو سال به زمان آزادی مشروط مقرر شده است.

در خصوص تعلیق اجرای مجازات قانون‌گذار با نام‌گذاری تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی مقررات قانون سابق را تا حدودی اصلاح کرده است. برخی از این اصلاحات مانع از اجرای تعلیق شده و برخی از آنها امکان تعلیق مجازات‌ها را ایجاد کرده است. نخستین موضوع راجع به جرائم موضوع تعلیق و مستثنیات آن است. در قانون ۱۳۷۰ تمامی محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده به جز موارد مذکور در ماده (۳۰) قابل تعلیق بود.^(۲۹) اما در قانون جدید تنها مجازات‌های تعزیری غیرمنصوص در شرع که از درجه سه تا هشت باشند می‌توانند مشمول تعلیق اجرای مجازات قرار گیرند. به‌علاوه جرائم مستثنایی که در ماده (۴۷) ذکر شده‌اند،^(۳۰) بیشتر از موارد مذکور در ماده (۳۰) قانون سابق است. از این‌رو، می‌توان گفت مطابق قانون جدید در مجموع جرائم کمتری می‌توانند مشمول تعلیق اجرای مجازات قرار گیرند. همچنین شرایطی که برای اعمال تعلیق در قانون جدید پیش‌بینی شده است نسبت به قانون سابق بیشتر است و وجود جهات تخفیف و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران هم جزء شرایط اعمال مقررات تعلیق قرار گرفته است. همچنین برخلاف قانون سابق که عدم رعایت دستورهای دادگاه برای بار اول را تنها موجب افزوده شدن زمان یک تا دو سال به مدت تعلیق می‌دانست، در قانون جدید به قاضی اختیار داده شده است که زمان مذکور را به مدت تعلیق بیفزاید یا دستور به لغو تعلیق دهد.

تمامی این موارد می‌تواند موانعی برای اجرای تعلیق در عمل ایجاد کند. اما از سوی دیگر، قانون‌گذار مواردی را پیش‌بینی کرده است که می‌تواند دامنه اجرای تعلیق را گسترده‌تر کند. یکی از این موارد آن است که امکان صدور قرار تعلیق تعقیب پس از صدور حکم قطعی و گذشت مدت یک‌سوم از اجرای مجازات به وجود آمده است.^(۳۱) به‌علاوه، در قانون جدید داشتن سابقه کیفری به‌عنوان مانعی برای صدور قرار تعلیق محدود به مواردی شده است که محکومیت سابق دارای مجازات تبعی باشد. بنابراین، محکومیت قطعی به مجازات‌هایی مانند جزای نقدی ولو از درجه ۵ و بالاتر باشند و حبس‌های درجه ۶، ۷ و ۸ مانعی برای صدور قرار تعلیق نیست، در حالی که مطابق قانون سابق حبس‌های بیش از یک سال و جزای نقدی بیش از دو میلیون ریال و محکومیت‌های قطعی بیش از دو بار مانع اعمال مقررات تعلیق اجرای مجازات بودند. همچنین، مطابق ماده (۳۶) قانون سابق، تعدد جرم مانع از صدور قرار تعلیق اجرای مجازات بود، در حالی که چنین شرطی در قانون جدید پیش‌بینی نشده است.

۳-۲-۲. جایگزین‌های ابداعی حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرراتی را ابداع کرده است که در قوانین قبلی سابقه نداشته‌اند و موجب کاستن از مجازات حبس می‌شوند. در یک نگاه کلی، این موارد به ترتیبی که در قانون ذکر شده‌اند، عبارتند از: معافیت از مجازات، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، نظارت الکترونیکی، مجازات‌های جایگزین حبس که خود مشتمل بر دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است.^(۳۲)

۳-۲-۲-۱. معافیت از مجازات. یکی از نهادهایی که قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ در کنار نهاد تخفیف مجازات پیش‌بینی کرده است، معافیت از مجازات است. با اینکه برای اعمال مقررات ماده (۳۹)، احراز جهات تخفیف لازم است، لکن وجه تمایز نهاد معافیت از تخفیف در آن است که یکم معافیت از مجازات تنها در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت قابل اعمال است، دوم دادگاه باید تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می‌شود، سوم مرتکب فاقد سابقه کیفری مؤثر باشد، چهارم شاکی گذشت کرده باشد و پنجم مرتکب ضرر و زیان را جبران یا ترتیبات جبران آن را برقرار کرده باشد.

بدیهی است، اعمال این مقررات می‌تواند تا حدودی مانع از اجرای حبس‌های کوتاه‌مدت شود و اثر حبس‌زایی ایجاد شده با تغییر مقررات تخفیف را تعدیل کند، اما بدیهی است با توجه به شرایط پیش‌گفته، نمی‌تواند این اثر را به‌طور کلی مرتفع سازد.

۳-۲-۲-۲. تعویق صدور حکم. این نهاد از قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است و تفاوت آن با تعلیق اجرای مجازات در آن است که در تعویق صدور حکم، با وجود احراز مجرمیت متهم، حکم محکومیت برای او صادر نمی‌شود و صدور این حکم برای مدتی معلق می‌گردد. در این مدت چنانچه متهم مرتکب جرمی نشود (در تعویق ساده) و دستورهای دادگاه را رعایت کند (در تعویق مراقبتی) دادگاه بسته به میزان پایبندی او به اجرای دستورها، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.

امتیاز این نهاد نسبت به نهاد تعلیق اجرای حکم برای مرتکب جرم آن است که اولاً در صورت عدم ارتکاب جرم و رعایت دستورهای دادگاه مشمول حکم معافیت از مجازات می‌شود، نه حکم محکومیت و بنابراین، در زمان تعویق مشمول مجازات‌های تبعی نمی‌شود، در حالی که در تعلیق اجرای مجازات، بی‌اثر شدن محرومیت‌های ناشی از محکومیت معلق، منوط به سپری شدن مدت تعلیق است (ماده ۵۲). همچنین در تعویق صدور حکم، چون حکم محکومیت صادر

نشده است، محرومیت‌های موضوع بندهای «الف»، «ب» و «پ» ماده (۲۶) در مورد متهم اعمال نخواهد شد، در حالی که چنانچه فردی به مجازات‌های موضوع بندهای سه‌گانه ماده (۲۵) محکوم شود، حتی اگر اجرای کل مجازات وی معلق شود، محرومیت‌های مذکور به‌طور دائم بر او اعمال خواهد شد. همچنین مدت‌زمان تعویق نسبت به تعلیق کوتاه‌تر است (۶ ماه تا ۲ سال) و البته در مورد جرائم کم‌اهمیت‌تر (تعزیرات درجه ۶ تا ۸) قابل اعمال است.

بدیهی است اجرای این مقررات در کنار مقررات تعلیق اجرای مجازات می‌تواند مانع از اعمال مجازات حبس شود. البته باید توجه داشت، قانون‌گذار اجرای ناموفق نهاد تعویق صدور حکم را مانعی برای اعمال تعلیق اجرای حکم می‌داند.^(۳۳) به‌عبارت‌دیگر، هرچند این نهاد به‌عنوان نهاد مستقلی از تعلیق در نظر گرفته شده است، اما چنانچه فردی در دوران تعویق صدور حکم مرتکب جرم جدیدی شود یا از اجرای دستورهای دادگاه امتناع ورزد، محکوم‌به مجازات می‌شود و اجرای این مجازات قابل تعلیق نیست. بنابراین، این دو نهاد به‌نوعی در طول هم قرار می‌گیرند.

۳-۲-۲-۳. نظام نیمه‌آزادی. از آنجا که یکی از اهداف مجازات حبس، بازپروری محکومان است و جدایی آنها از جامعه از یک‌سو مانع تحقق این هدف می‌شود و از سوی دیگر فراهم کردن امکانات آموزشی و فنی - حرفه‌ای متناسب با نیازهای متنوع زندانیان امری تقریباً غیرممکن و بسیار هزینه‌بر است، نظام‌های نوین کیفری سعی داشته‌اند رژیم‌های اجرایی مختلفی را با توجه به محکومان مختلف به اجرا درآورند.^(۳۴) یکی از این شیوه‌ها که به دنبال کاستن معایب مجازات زندان برای محکوم، خانواده او و جامعه اوست، نظام نیمه‌آزادی است. در این روش، با اعمال نظارت بر محکوم به او آزادی نیمه‌وقت اعطا می‌شود. مقررات مربوط به این نهاد که از قانون مجازات فرانسه^(۳۵) اقتباس شده است، ممکن است با این ابهام روبه‌رو شود که آیا زمان اشتغال محکوم به فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی و درمان جزئی است که فرد از آزادی محروم است و در سایر زمان‌ها فرد در کنار خانواده‌اش باقی خواهد ماند، یا اینکه اصولاً فرد در حبس است و زمان اشتغال او به فعالیت‌های مذکور جزء زمان آزادی او محسوب می‌شود. با توجه به سیاق ماده (۵۶) که از عبارت «محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های ... را در خارج از زندان انجام دهد» به نظر می‌رسد احتمال دوم مورد نظر قانون‌گذار بوده است، هرچند در نظام حقوقی فرانسه که این مقررات از آن اقتباس شده است، امکان حکم به اجرای مجازات حبس در فضای خارج از زندان هم برای قاضی در نظر گرفته شده است.

با توجه به این موضوع می‌توان گفت سابقه این نهاد به آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برمی‌گردد که در اجرای مجازات حبس مجریان می‌توانستند با اعتمادی که نسبت به اصلاح محکوم پیدا می‌کردند، آنها را از برخی از امتیازات برخوردار کنند. همچنین این نظام در آیین‌نامه کانون اصلاح و تربیت نوجوانان نیز پیش‌بینی شده بود و چنانچه مدیران کانون تشخیص می‌دادند نوجوانی که در کانون بوده است، می‌تواند بقیه محکومیت خود را نیز خارج از کانون ادامه دهد، وی را از این مزیت برخوردار می‌کردند و برای مثال به او اجازه می‌دادند روزها در مدرسه درس بخواند و شب‌ها به کانون برگردد (بابایی و غلامی، ۱۳۹۱: ۷۴).

با توجه به اصل (۳۶) قانون اساسی که مقرر می‌دارد «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». به نظر می‌رسد شیوه اجرای مجازات حبس باید به موجب قانون باشد و نه آیین‌نامه و از این جهت، اقدام قانون‌گذار در ساماندهی نوع اجرای حبس در قالب نیمه آزادی قابل توجیه است. اما باید توجه داشت با عنایت به شرایطی که در ماده (۵۷) قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شده است و اعمال این نظام را تنها در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت و آن هم با اشتراط گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری مؤثر در فرایند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده و با رضایت محکوم ممکن دانسته است، به نظر می‌رسد مصادیق اعمال نظام نیمه‌آزادی، در عمل، با محدودیت‌هایی نسبت به قبل از تصویب قانون روبه‌رو شود.^(۳۶)

لازم به ذکر است قانون‌گذار در خصوص نوجوانان بزهکار ضمانت اجرای نگهداری در پایان هفته را نیز پیش‌بینی کرده است (تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی). در این شیوه محکوم‌علیه موظف است در روزهای پایانی هر هفته برای گذراندن مجازات، خود را به مقامات کانون اصلاح و تربیت معرفی کند. ذکر دو روز آخر هفته با این فرض در قانون آمده است که نوجوان بزهکار در روزهای دیگر هفته به کار یا تحصیل مشغول است و لذا نوجوانان بیکار و بی‌سرپناه باید در تمام روزهای هفته در کانون اقامت داشته باشند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

۳-۲-۴. نظارت الکترونیکی. نظارت الکترونیکی که به معنای کنترل و نظارت بر محکومان به وسیله ابزار الکترونیکی در خارج از زندان است، برای نخستین بار در سال ۱۹۸۴ توسط قاضی جک‌لاو در نیومکزیک برای کنترل یک مجرم مورد حکم قرار گرفت. اصولاً این روش در ابتدا به‌عنوان تضمینی برای رعایت قواعد حبس در خانه استفاده می‌شد (آشوری، ۱۳۹۴: ۴۰۳). اما از این شیوه می‌توان برای تحت کنترل قرار دادن محکومان آزادشده مشمول تعلیق و همچنین کنترل متهمان نیز استفاده کرد (تدین، ۱۳۸۷: ۶۱). قانون‌گذار ایران هم از

این نظارت، هم به‌عنوان یک ضمانت اجرای کیفری (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی) و هم به‌عنوان یکی از اقسام قرارهای تأمین و نظارت قضایی (بند چ ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری) استفاده کرده است. فواید استفاده از این نوع نظارت کاستن از میزان حبس‌های کوتاه‌مدت و جلوگیری از بازداشت شدن متهمان است.

به نظر می‌رسد قانون‌گذار مقررات ماده (۶۲) را از ماده ۱-۲۶-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه^(۳۷) اقتباس کرده باشد. البته برخلاف این نظام حقوقی که از این اقدام تنها در خصوص حبس‌های کوتاه‌مدت استفاده می‌کند، در ایران کاربرد این مقررات در جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸ است و بنابراین، حبس‌های تا ۵ سال را هم شامل می‌شود. البته برای اعمال مقررات نظارت الکترونیکی به‌عنوان یکی از اقدامات جایگزین حبس، لازم است شرایط مقرر در تعویق مراقبتی یعنی وجود جهات تخفیف، پیش‌بینی اصلاح مرتکب، جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات آن و فقدان سابقه کیفری مؤثر وجود داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، با توجه به اینکه نظارت الکترونیکی که امکان نظارت بیشتری را نسبت به تعویق صدور حکم را ایجاد می‌کند، جرائم بیشتری را نیز تحت شمول خود قرار می‌دهد، اما دامنه شمول آن نسبت به تعلیق اجرای حکم کمتر است.

اما در خصوص ماهیت این نوع ضمانت اجرا باید گفت به نظر می‌رسد قانون‌گذار با وضع این مقررات اجرای مجازات حبس را همان محدودسازی محکوم در محدوده مکانی و تحت نظارت قرار دادن او دانسته است. بنابراین، مرتکب در دادنامه صادرشده محکوم به حبس می‌شود، اما نحوه اجرای حبس، محدود شدن وی در محدوده مکانی تعریف‌شده و در صورت لزوم تبعیت از تدابیر و دستورهای مذکور در تعویق مراقبتی است. بنابراین، با ماهیتی مستقل از تعویق، تعلیق و نظام نیمه‌آزادی روبه‌رو هستیم.^(۳۸) البته باید توجه داشت قانون‌گذار تمامی احکام لازم برای به‌کارگیری این نهاد را تبیین نکرده است. مهم‌ترین حکم مغفول، ضمانت اجرای خروج عمدی محکوم از نظارت و تخلف از دستورها و تدابیر خواسته‌شده از او و ارتکاب جرم جدید است. هرچند، شاید ضمانت اجرای تخلف از این موارد، اجرای مجازات حبس مورد حکم در نظر گرفته شود، اما با توجه به مقررات مشابه در تعلیق، تعویق، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین، امکان وضع ضمانت اجرایی چون افزودن مدت نظارت قابل توجه است و از آنجا که وضع ضمانت اجرا باید در خود قانون صورت پذیرد، اصلاح و تکمیل مقررات مربوط به این نهاد ضروری است.^(۳۹) اما در هر صورت، می‌توان انتظار داشت این نهاد، پس از فراهم‌شدن زمینه‌های اجرایی، به‌عنوان نهادی مستقل از سایر نهادهای جایگزین حبس موجب کاسته‌شدن میزان ورودی‌های زندان شود.

۳-۲-۲-۵. مجازات‌های جایگزین حبس. سابقه این نوع مجازات‌ها به مقررات مربوط به تبدیل حبس‌های کوتاه‌مدت به جزای نقدی بازمی‌گردد. اما با توجه به سیاست‌های کلی نظام در خصوص حبس‌زدایی^(۴۰) و الزام قانونی قوه قضائیه به تهیه لایحه جایگزین‌های مجازات حبس،^(۴۱) «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس» توسط قوه قضائیه تهیه و در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ هیئت‌وزیران دولت هشتم به تصویب رسید و به مجلس هفتم ارسال شد. با پایان یافتن دوره مجلس هفتم و عدم تعیین تکلیف در خصوص این لایحه، دولت نهم مجدداً آن را در سال ۱۳۸۷ برای بررسی به مجلس هشتم ارسال کرد. با توجه به اینکه لایحه مجازات اسلامی در دستور کار مجلس هشتم بود، لایحه مذکور با اصلاحاتی به‌عنوان یکی از فصول کتاب اول، به تصویب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی رسید و در نهایت این مقررات به‌عنوان فصل نهم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی دوره نهم رسید. از اهدافی که برای این‌گونه از مجازات‌ها که از آنها به مجازات‌های اجتماع‌محور هم یاد می‌شود کاهش جمعیت کیفری و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، بازپذیری اجتماعی و تقویت حس مسئولیت در بزه‌کار، مبارزه با افزایش تکرار جرم، تسهیل جبران خسارت بزه‌دیده و ایجاد اعتماد عمومی نسبت به عملکرد نظام عدالت کیفری ذکر شده است (یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷: ۹۲).

شاید بتوان مهم‌ترین اصلاحاتی را که در مقررات لایحه به عمل آمده است، ممنوع کردن تعیین مجازات حبس در جرائم عمدی موجب مجازات بیش از یک‌سال و افزودن جزای نقدی در کنار چهار مجازات جایگزین حبس مذکور در لایحه دانست. با توجه به اصلاح نخست، تعداد زیادی از جرائم از شمول مقررات جایگزین‌های حبس خارج شد؛ به‌نحوی که این پرسش مطرح شده است که آیا با این اصلاح و باقی‌ماندن جرائمی معدود در شمول مقررات جایگزین‌های حبس، آیا اهدافی که تنظیم‌کنندگان لایحه مورد نظر داشتند، تأمین می‌شود یا خیر. اصلاح دوم هم بحث منسوخ شدن یا نشدن «قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» مصوب ۱۳۷۳ را جدی‌تر کرده است.^(۴۲)

همچنین برخلاف مقررات ماده (۱) لایحه مذکور، «گذشت شاکی»^(۴۳) و وجود جهات تخفیف از شرایط تعیین مجازات جایگزین حبس نبود و با اشتراط این دو شرط نیز تعدادی از جرائم از شمول مقررات جایگزین‌های حبس خارج می‌شوند. این ایراد در جرائم عمدی که مجازات آنها کمتر از سه ماه حبس است و در جرائم غیرعمدی ایراد بیشتری دارد. توضیح آنکه مطابق مقررات قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، تبدیل حبس کمتر از سه ماه به جزای نقدی، مشروط به دو شرط گذشته نبود و اشتراط آنها موجب

می‌شود تبدیل اجباری حبس‌های کوتاه‌مدت با مانع روبه‌رو شود.^(۴۴) البته دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس را در جرائم موضوع مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ الزامی دانسته و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف ندانسته است.^(۴۵)

در مجموع با توجه به شرایط و قیودی که برای اعمال مجازات‌های جایگزین حبس پیش‌بینی شده است، این مقررات نمی‌تواند برخلاف آنچه مقصود تهیه‌کنندگان لایحه بوده است، نقش چشمگیری در کاهش ورودی‌های زندان ایفا کند.

فرجام

با توجه به آثار سوئی که مجازات حبس بر مرتکب جرم، خانواده او و جامعه دارد، سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی ایران مورد توجه قرار گرفته است. اقدامات اتخاذشده هم در خصوص حبس‌های کوتاه‌مدت و هم در خصوص سایر حبس‌ها بوده است، اما با توجه به آثار سوء بیشتری که حبس‌های کوتاه‌مدت به دنبال دارد و اینکه اهدافی که از اعمال مجازات‌ها دنبال می‌شود با این نوع مجازات تأمین نمی‌شود، اقدامات جایگزین حبس‌های کوتاه‌مدت بیشتر مورد توجه قانون‌گذار بوده است.

با وجود اینکه سیاست حبس‌زدایی هم در اسناد بالادستی و هم در قوانین عادی مورد توجه بوده است، نگرارش برخی از مقررات قانون مجازات اسلامی به نحوی بوده است که این هدف به‌طور کامل تأمین نمی‌شود و برعکس موجب ازدیاد جمعیت کیفری می‌شود. شورای نگهبان که مرجع نظارت بر انطباق قوانین عادی با قانون اساسی و شرع است، در برخی از موارد، مصوبات مجلس شورای اسلامی را مغایر با سیاست حبس‌زدایی که در سیاست‌های کلی نظام درج شده، دانسته و مانع تصویب نهایی آنها شده است، اما هنوز مقرراتی از قانون مجازات اسلامی وجود دارد که نسبت به قوانین سابق اثر حبس‌زدایی دارد و قانون‌گذار باید در کنار توجه به آثار بازدارندگی مجازات‌ها، به این نکته توجه کند که مجازات‌ها باید در راستای سیاست حبس‌زدایی باشند.

از این‌رو، به نظر می‌رسد مقررات مربوط به تخفیف مجازات‌ها، خصوصاً در جرائم کم‌اهمیت‌تر، باید اصلاح گردد و امکان تبدیل مجازات حبس به سایر مجازات‌ها ایجاد شود. همچنین در خصوص مجازات‌های تکمیلی به نظر می‌رسد حبس، ضمانت اجرای مناسبی برای تخلف از مفاد حکم نیست و جزای نقدی مذکور در ماده (۲۴) کفایت می‌کند.^(۴۶)

همچنین در مقایسه میان قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ۱۳۷۰ شرایطی برای برخی از نهادهای جایگزین حبس پیش‌بینی شده است که اعمال مقررات ارفاقی را با محدودیت‌هایی روبه‌رو کرده است و منطقاً می‌تواند موجب افزایش ورودی زندان‌ها شود. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود جز در مواردی که شرایط وضع‌شده، به نحو منطقی در راستای ارتقای دستیابی به اهداف مجازات‌هاست، شرایط محدودکننده تبدیل مجازات حبس حذف شود. از جمله این موارد می‌توان به دادن اختیار لغو قرار تعلیق در مرتبه نخست تخلف از دستورها و تدابیر پیش‌بینی‌شده در این قرار اشاره کرد.

در کنار جایگزین‌های سنتی حبس، قانون‌گذار در قانون جدید نهادهایی ابداع کرده است که هر کدام می‌توانند سهمی از کاهش ورودی زندان‌ها را به خود اختصاص دهند. اما در وضع این قوانین بعضاً نارسایی‌هایی مشاهده می‌شود که باید مرتفع شود. از جمله می‌توان وضع شرط گذشت و جهات تخفیف برای جایگزین‌های حبس را نام برد.^(۴۷) همچنین ابهامات و خلأهایی که در خصوص اجرای برخی از مقررات چون نظام نیمه‌آزادی و نظارت الکترونیکی وجود دارد باید مرتفع شود تا زمینه‌های اجرایی این نهادها فراهم گردد.

در مجموع می‌توان گفت هرچند اقدامات بسیار خوبی در جهت پیاده‌سازی سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی ایران و همچنین در وضع مقرراتی چون تصویب آیین‌نامه‌های اجرای ماده (۷۹) قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس صورت گرفته است، اما همان‌طور که بیان شد قوانین فعلی دارای ایراداتی است که مانع از تحقق کامل این سیاست در نظام تقنینی ایران می‌شود. بدین منظور ضروری است مجمع تشخیص مصلحت نظام بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از جهت انطباق آنها با سیاست‌های کلی نظام نظارت لازم را داشته باشد.

همچنین لازم است قانون‌گذار خود در تعیین مجازات‌هایی که برای هر یک از جرائم در نظر می‌گیرد، به اصل مهم تناسب میان جرم و مجازات توجه بیشتری داشته باشد تا علاوه بر پرهیز از شتاب‌زدگی و تعیین مجازات‌های شدید برای جرائم غیرسنگین، به نحو منطقی بازدارندگی مناسبی برای مجازات‌ها ایجاد کند و همچنین توازن میان واکنش‌ها میان جرائم هم‌سطح را برقرار سازد.

افزون بر این مناسب است همانند کشورهای چون انگلستان،^(۴۸) قانون‌گذار با تشکیل شورای تعیین مجازات که متشکل از اعضای از نهادهای مختلف و جامعه مدنی است،^(۴۹) امکان مشارکت نهادهای مختلف را در تعیین و اعمال مجازات‌ها، به‌ویژه مجازات حبس در مرحله قضا فراهم کند.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) برای مطالعه بیشتر راجع به اندیشه ناتوان‌سازی مجرمان و مدیریت خطر مجرمان و نقدهای وارد شده به آن، ر.ک.: (فرجی‌ها و عابدی‌نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۷: ۵۲) و (ساعدی و قیاسی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).
- (۲) برای مطالعه بیشتر راجع به این اصطلاحات، ر.ک.: (نجفی‌ابرنادآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۷۶ و ۱۴۱)
- (۳) در خصوص ماهیت سیاست‌های کلی نظام و جایگاه آن در درخت‌واره نظام حقوقی ایران، ر.ک.: (دولت‌رفتار حقیقی، ۱۳۸۹: ۹۰).
- (۴) «تبصره ۱۷: به رئیس قوه قضائیه اجازه داده می‌شود از ابتدای سال ۱۳۶۹ علاوه بر درآمدهای موضوع ردیف ۴۱۰۱۰۱ (خدمات قضایی) منظور در قسمت سوم قانون بودجه سال ۱۳۶۸، درآمدهای جدید مشروحه ذیل را وصول و به حساب درآمد عمومی کشور منظور نماید.
۱. در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس به جای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزارویک ریال تا یک‌میلیون ریال داده خواهد شد و هر گاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزارویک ریال تا سه میلیون ریال بدهد. در صورتی که در موارد بالا حبس یا سایر محکومیت‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی یا جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد».
- (۵) «ماده ۱۹۰: به‌منظور اصلاح وضعیت زندان‌ها و ایجاد محیط مناسب بازپروری و اصلاح و تربیت زندانیان در بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی اقدامات زیر صورت می‌گیرد:
- الف. سازمان زندان‌ها موظف است با همکاری انجمن‌ها و نهادهای مردمی نسبت به فعال‌تر کردن انجمن‌های حمایت از خانواده زندانیان و معدومین نیازمند و ایجاد انجمن در تمامی مراکز اقدام کند، به‌نحوی که تا پایان برنامه صددرصد (۱۰۰٪) خانواده‌های نیازمند زندانیان و معدومین تحت پوشش قرار گیرند.
- ب. وزیر دادگستری موظف است نسبت به تهیه آیین‌نامه کار زندانیان، با اولویت حرفه‌آموزی مناسب اقدام کند، به‌نحوی که پس از اتمام دوره محکومیت آنها ضمن ارائه تأییدیه اشتغال، امکان حذف سوءپیشینه و حضور مؤثر آنها در جامعه فراهم گردد».
- (۶) «ماده ۱۳۰: قوه قضائیه موظف است لوائح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برساند:
- الف. لایحه «جرم‌زدایی از قوانین کیفری» به‌منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم‌انگاری در مورد تخلفات کم‌اهمیت، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی‌رویه قلمرو حقوق جزا و تضييع حقوق و آزادی‌های عمومی.
- (۷) «ماده ۲۱۱:
- الف. قوه قضائیه مکلف است به‌منظور کاهش عناوین مجرمانه و دعاوی، ایجاد پلیس قضائی، استانداردسازی ضمانت‌اجراهای کیفری و جایگزین کردن ضمانت‌اجراهای غیرکیفری مؤثر و روزآمد از قبیل انتظامی، انضباطی، مدنی، اداری و ترمیمی حداکثر تا پایان سال اول برنامه لوائح قضایی مورد نیاز را تهیه کند تا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم شود.
- ...
- ن. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مکلف است با همکاری دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات عمومی و مردم‌نهاد، به‌منظور باز اجتماعی‌شدن محکومان در طول برنامه اقدامات زیر را به اجرا گذارد:

۱. با رویکرد ارتقای بازدارندگی و جنبه اصلاحی مجازات حبس، اصلاح محیط زندان‌ها از طریق اقداماتی نظیر طبقه‌بندی زندانیان و بازداشت‌شدگان بر اساس سابقه و نوع جرائم ارتكایی، تفکیک متهمان از محکومان در بازداشتگاه‌های موقت در شهرهای بالای بیست‌هزار نفر جمعیت».
- (۸) لازم به ذکر است در خصوص مدت حبس‌های کوتاه‌مدت هنوز اجماعی در سطح بین‌المللی به وجود نیامده است و با اینکه بسیاری از کشورها، این نوع حبس را از نظام حقوقی خود حذف کرده‌اند، لکن در برخی از کشورها، حبس‌های زیر سه ماه، در برخی دیگر، حبس‌های زیر شش ماه و در برخی دیگر حبس‌های زیر نه ماه و حتی یک‌سال، حبس کوتاه‌مدت شناخته شده است (مالمیر، ۱۳۸۷: ۲۵۹) و (اردبیلی، ۱۳۷۱: ۲۷۹)
- (۹) ماده (۱۱) قانون مجازات عمومی: «ماده ۱۱: مجازات خلاف از قرار زیر است: ۱. حبس تک‌دیری از بیست و چهار ساعت تا یک هفته، ۲. غرامت تا پنج تومان».
- (۱۰) ماده ۱۰: مجازات جنحه کوچک از قرار زیر است: ۱. حبس تأدیبی بیش از یک هفته تا یک ماه، ۲. غرامت از پنج تومان و یک قران الی پنجاه تومان».
- (۱۱) «ماده ۹: مجازات جنحه مهم از قرار زیر است: ۱. حبس تأدیبی بیش از یک ماه، ۲. اقامت اجباری در نقطه یا نقاط معین یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین، ۳. محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی، ۴. غرامت در صورتی که مجازات اصلی باشد».
- (۱۲) «مواد ذیل به قانون آیین دادرسی کیفری اضافه می‌شود: ...
ماده ۴: حبس در امور خلافی مطلقاً و همچنین حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد قابل تبدیل به جزای نقدی است مگر این‌که در قانون تبدیل حبس به جزای نقدی منع شده باشد. دادگاه می‌تواند به اختلاف موارد از قرار روزی ده ریال تا پانصد ریال تبدیل به جزای نقدی نماید».
- (۱۳) برای مثال، مجازات توقیف یک تا پنج روز بابت اخلاف نظم دادگاه که در تبصره ماده ۳۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۳۷) پیش‌بینی شده بود.
- (۱۴) «ماده ۹: مجازات‌های اصلی جنحه به قرار زیر است: ۱. حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا سه سال، ۲. جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا».
- (۱۵) «ماده ۱۱: در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد از این پس به جای حبس حکم به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال داده خواهد شد و هر گاه حداکثر مجازات بیش از ۶۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از دو ماه حبس یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال بدهد در صورتی که در موارد بالا حبس توأم با جزای نقدی باشد و درآمدهای خدمات قضایی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید: به‌جای حبس جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد».
- (۱۶) «ماده ۳: قوه قضائیه موظف است کلیه:
 ۱. در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نودویک روز حبس یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی است از این پس به‌جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزارویک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک‌میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود.
 ۲. هرگاه حداکثر مجازات بیش از نودویک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد.
 ۳. در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به‌جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد».

(۱۷) البته به‌موجب تبصره ماده ۷۱۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، مقررات قانون وصول درخصوص جرائم موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون اعمال نمی‌شود.

(۱۸) برای مطالعه بیشتر راجع به این نوع جایگزین‌ها، ر.ک.: (آشوری، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

(۱۹) برای مثال، در این خصوص می‌توان به ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۱۳ اشاره کرد.

(۲۰) این نهاد برای نخستین‌بار از سال ۱۳۳۷ با تصویب «قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان» وارد نظام حقوق کیفری ایران شده است. در این خصوص، ر.ک.: (صانعی، ۱۳۸۸: ۸۱۵) البته لازم به ذکر است قانون‌گذار در سال ۱۳۱۵ تبدیل بخشی از مجازات حبس به کار کردن در مؤسسات کشاورزی یا صنعتی و تحت حفاظت قرار گرفتن مجرمان را در «قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیرسیاسی» پیش‌بینی کرده بود. همچنین در قانون تعلیق مجازات زندانیان مصوب ۱۳۳۱ نیز معافیت از مجازات برخی از جنایات و جنحه‌ها پس از گذشت دو ثلث یا نصف مجازات، حسب مورد، پیش‌بینی شده بود. این اشخاص چنانچه در ظرف ۵ سال مرتکب جنحه یا جنایتی می‌شدند علاوه‌بر مجازات جرم جدید، بقیه مجازات جرم قبلی در مورد آنها اجرا می‌شد. در این خصوص، ر.ک.: (همتی، ۱۳۸۵: ۷).

(۲۱) این نهاد نیز از ابتدای قانون‌گذاری در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در ماده ۴۷ پیش‌بینی شده بود و در طول زمان مقررات مربوط به آن دستخوش اصلاحاتی شده است. به‌نحوی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعلیق به دو نوع ساده و مراقبتی تقسیم شده و برای هر کدام شرایطی در نظر گرفته شده است.

(۲۲) ذکر این ماده با اینکه در نسخه نهایی قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حذف شد از این جهت است که رویکرد ناهمگون قانون‌گذار درخصوص راهبرد حبس‌زدایی مورد توجه قرار گیرد.

(۲۳) متن ماده ۲۱۵ که با ایراد شورای نگهبان حذف شد به این شرح است: «ماده ۲۱۵: مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا سه ماه حبس است به حبس تعزیری درجه هشت؛
۲. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا شش ماه حبس است به حبس تعزیری درجه هفت؛
۳. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا دو سال حبس است به حبس تعزیری درجه شش؛
۴. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا پنج سال حبس است به حبس تعزیری درجه پنج؛
۵. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا ده سال حبس است به حبس تعزیری درجه چهار؛
۶. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا پانزده سال حبس است به حبس تعزیری درجه سه؛
۷. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها تا بیست و پنج سال حبس است به حبس تعزیری درجه دو؛
۸. کلیه حبس‌هایی که حداکثر مجازات آنها بیش از بیست و پنج سال حبس است به حبس تعزیری موقت درجه یک؛
۹. کلیه شلاق‌هایی که حداکثر آنها هفتاد و چهار ضربه است به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش؛
۱۰. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است به جزای نقدی درجه هشت؛
۱۱. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است به جزای نقدی درجه هفت؛
۱۲. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است به جزای نقدی درجه شش؛

۱۳. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است به جزای نقدی درجه پنج؛

۱۴. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است به جزای نقدی درجه چهار؛

۱۵. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال است به جزای نقدی درجه سه؛

۱۶. کلیه مجازات‌های نقدی که حداکثر آنها یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و بیش از آن است به جزای نقدی درجه دو؛

۱۷. کلیه مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی که حداکثر مدت آن تا شش ماه است به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه هفت؛

۱۸. کلیه مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی که حداکثر مدت آن تا پنج سال است به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه شش؛

۱۹. کلیه مجازات‌های محرومیت از حقوق اجتماعی که حداکثر مدت آن بیش از پنج سال است به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج».

همان‌طور که از متن این ماده مشخص می‌شود، نه تنها حداقل مجازات‌ها با افزایش رویه‌رو شده بود، بلکه حداکثر مجازات‌ها نیز بعضاً افزایش چشمگیری یافته بودند. برای مثال مجازات حبس جرم کلاه‌برداری ساده، مطابق بند ۵ مذکور از ۱ تا ۷ سال به ۲ تا ۱۰ سال افزایش می‌یافت.

(۲۴) «ماده ۲۲: دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد ...».

(۲۵) در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ نیز همین رویکرد دیده می‌شود: «ماده ۳۵: در مورد تعزیرات دادگاه در صورت احراز کیفیات مخففه می‌تواند مجازات را تخفیف دهد ...».

اما در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ میزان تخفیف در قانون معین و اختیار قاضی مقید به این موازین شده بود: «ماده ۴۶: دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخفف مجازات‌های جنحه و جنایت را به طریق زیر تخفیف دهد مگر اینکه در قانون خلاف آن مقرر شده باشد:

۱. اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه ۱؛
۲. حبس دائم به حبس جنایی درجه ۱ یا درجه ۲؛
۳. حبس جنایی درجه ۱ به حبس جایی درجه ۲ که بیش از سه سال نباشد یا حبس جنحه‌ای که کمتر از دو سال نباشد؛

۴. حبس جنایی درجه ۲ به حبس جنحه‌ای که بیش از دو سال و کمتر از شش ماه نباشد؛

۵. حبس جنحه‌ای تا حداقل حبس مزبور یا تا حداقل جزای نقدی.

تبصره ۱: در مورد جزای نقدی نسبی کیفیات مشدد و مخفف قابل اعمال نیست ولی در مورد جزای نقدی ثابت دادگاه می‌تواند در صورت وجود کیفیات مخفف جزای نقدی را اعم از اینکه توأم با حبس باشد یا نباشد تا نصف حداقل مقرر برای آن جرم و در صورتی که بدون حداقل و حداکثر باشد تا نصف تخفیف دهد.

تبصره ۲: در صورتی که مرتکب قبلاً با استفاده از کیفیات مخفف به جزای نقدی محکوم شده باشد دادگاه نمی‌تواند مجدداً با رعایت تخفیف مجازات حبس او را به جزای نقدی تبدیل نماید مگر اینکه جرم ارتكابی قبلی غیر عمدی باشد».

رویکرد قانون ۱۳۵۲ در قانون سابق بر آن یعنی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ نیز مشاهده می‌شود:

«ماده ۴۴: در موارد جنایات در صورتی که مطابق این قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف مجازات باشد هیئت حاکمه می‌تواند مجازات‌های جنایی را به طریق زیر تخفیف دهد:

۱. اعدام به حبس دائم یا موقت با اعمال شاقه.
 ۲. حبس دائم با اعمال شاقه به حبس موقت با اعمال شاقه یا به حبس مجرد.
 ۳. حبس موقت با اعمال شاقه به حبس مجرد یا حبس تأدیبی که کمتر از دو سال نباشد.
 ۴. حبس مجرد به حبس تأدیبی که کمتر از شش ماه نباشد.
 ۵. تبعید به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین.
 ۶. محرومیت از تمام حقوق اجتماعی به بعضی آن.»
- (۲۶) «ماده ۳۷: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به‌نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:
- الف: تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه.»

(۲۷) لازم به ذکر است در قانون ۱۳۷۰ هر چند تعدد و تکرار از موجبات تشدید مجازات تلقی می‌شد، اما با توجه به عدم ذکر میزان تشدید و با توجه به اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها، عملاً امکان تشدید مجازات وجود نداشت و قضات تنها می‌توانستند حداکثر مجازات قانونی را برای مرتکب در نظر بگیرند. در این خصوص، ر.ک: رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۷. در خصوص مقیدنبودن اختیار قضات در تخفیف مجازات در صورت تعدد جرم هم تبصره ۲ ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی صراحت داشت.

(۲۸) از آنجا که این نوع جایگزین در فصل مجازات‌های جایگزین حبس مطرح شده است، مقررات مربوط به تبدیل حبس به جزای نقدی در بخش بعدی مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت.

(۲۹) «ماده ۳۰: اجرای احکام جزایی زیر قابل تعلیق نیست:

۱. مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحا با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می‌نمایند.
۲. مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشا یا کلاهبرداری یا جعل یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم‌ربایی محکوم می‌شوند.
۳. مجازات کسانی که به نحوی از انحا با انجام اعمال مستوجب حد، معاونت می‌نمایند.»

(۳۰) «ماده ۴۷: صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

- الف: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات؛
- ب: جرائم سازمان‌یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم‌ربایی و اسیدپاشی؛
- پ: قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا؛

ت: قاچاق عمده مواد مخدر یا روان‌گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان؛

ث: تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی‌الارض؛

ج: جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال.»

(۳۱) هر چند برخی معتقدند با این اصلاح قانونی مرز میان تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط خلط شده است (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۲۴۵)، اما به نظر می‌رسد این اقدام می‌تواند در مواردی که امکان اعمال مقررات آزادی مشروط وجود ندارد، قابل اجرا باشد. همچنین باید توجه داشت تعلیق اجرای مجازات محدود به مجازات حبس نیست و می‌تواند سایر مجازات‌ها مانند محرومیت از حقوق اجتماعی را نیز پوشش دهد.

(۳۲) لازم به ذکر است که میانجی‌گری که از آن به‌عنوان یکی از اقدامات جایگزین حبس می‌شود، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد توجه قرار گرفته است.

(۳۳) «ماده ۴۴: ...تبصره: در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.»

(۳۴) برای مثال، در خصوص رژیم‌های مختلف حبس در انگلستان، ر.ک.: (ادواردز و هرلی، ۸۵۵).

(۳۵) ماده ۲۵-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه: «هنگامی که دادگاه صادرکننده حکم، کیفر حبس جرحه‌ای برابر یا کمتر از یک سال را مورد حکم قرار می‌دهد، می‌تواند در مورد محکومی که اثبات می‌کند با هدف بازپروری اجتماعی دارای یک کسب‌وکار یا حرفه خواهد بود یا به‌طور منظم در یک دوره آموزشی یا کارآموزی یا کار پاره‌وقت شرکت خواهد کرد یا نقشی حیاتی در زندگی خانواده‌اش ایفا خواهد کرد یا نیازمند معالجه پزشکی است، تصمیم بگیرد که این مجازات تحت نظام نیمه‌آزادی اجرا شود.

در حالت‌های پیش‌بینی‌شده در بند پیشین دادگاه همچنین می‌تواند تصمیم بگیرد که کیفر حبس جرحه‌ای تحت نظام اجرای کیفر در محیط باز به اجرا گذاشته شود.

هنگامی که حبس نمودن یا در حبس نگه‌داشتن محکوم در اجرای ماده‌ی ۴-۳۹۷ مجموعه قانون آیین دادرسی کیفری مورد دستور قرار گرفته شده است دادگاهی که این ماده را به اجرا می‌گذارد می‌تواند دستور اجرای موقت نیمه‌آزادی یا اجرای کیفر در محیط باز را بدهد.»

(۳۶) برای اطلاع بیشتر در خصوص این محدودیت‌ها و مقایسه نظام نیمه‌آزادی و حبس در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، ر.ک.: آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰.

(۳۷) ماده ۱-۲۶-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه: «هنگامی که دادگاه صادرکننده حکم، کیفر حبس جرحه‌ای برابر یا کمتر از یک‌سال را مورد حکم قرار می‌دهد، می‌تواند در مورد محکومی که اثبات می‌کند با هدف بازپروری اجتماعی دارای یک کسب‌وکار یا حرفه خواهد بود یا به‌طور منظم در یک دوره آموزشی یا کارآموزی یا کار پاره‌وقت شرکت خواهد کرد یا نقشی حیاتی در زندگی خانواده‌اش ایفا خواهد کرد یا نیازمند معالجه پزشکی است، تصمیم بگیرد که به‌جای مجازات زندان، تحت نظارت الکترونیکی قرار گیرد.

تصمیم به نظارت الکترونیکی تنها با رضایت متهمی انجام خواهد شد که ابتدا به او اطلاع داده شده است که می‌تواند درخواست کند از وکیلش کمک بگیرد و در صورت اقتضا قبل از دادن رضایت این کمک به‌طور خودکار توسط رئیس کانون وکلای او در نظر گرفته خواهد شد. اگر متهم صغیر باشد این تصمیم تنها با رضایت کسانی اعمال خواهد شد که سرپرستی او را بر عهده دارند. در مواردی که محکوم در اجرای ماده ۴-۳۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری در بازداشت به سر می‌برد، دادگاه صادرکننده حکمی که بند پیشین را به اجرا می‌گذارد می‌تواند دستور اجرای موقت نظارت الکترونیکی را صادر کند.»

(۳۸) البته به نظر می‌رسد در تمامی مواردی که بحث نظارت بر محکوم در خارج از زندان مورد توجه است، استفاده از ابزارهای نظارت الکترونیک امکان‌پذیر است. در این روش استفاده از ابزار نظارت الکترونیک نه ماهیتی مستقل از سایر نهادها بلکه ابزاری برای تضمین اجرای آنها خواهد بود.

(۳۹) لازم به ذکر است، قانون‌گذار حتی تبیین این موارد را به آیین‌نامه اجرایی واگذار نکرده است و در ماده

(۶۳) تنها تهیه آیین‌نامه اجرایی مواد مربوط بر عهده نظام نیمه‌آزادی و آزادی مشروط به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی گذاشته شده است و مقررات مربوط به نظارت توسط سامانه‌های الکترونیک با اینکه در فصل مربوط به نظام آزادی مشروط آمده است، اما تحت این عنوان قرار ندارد و همان‌طور که گفته شد، نهادی مستقل از آن محسوب می‌شود. البته قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تصویب ماده (۵۵۷) نحوه اجرای آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را به‌موجب آیین‌نامه‌ای دانسته است که به

- تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. اما ضمانت اجراهای مربوط به تخلف محکوم از دستورها و تدابیر و ارتکاب جرم جدید در این قانون هم تصریح نشده است.
- (۴۰) سیاست‌های مذکور در بند ۱-۳ همین مقاله.
- (۴۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، مذکور در بند ۱-۴ همین مقاله.
- (۴۲) در خصوص اختلاف نظرات موجود در این زمینه، ر.ک.: (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۳۷) و (توجهی، ۱۳۹۴: ۱۱۶). نگارنده در همایش بین‌المللی «مجازات‌های جایگزین حبس و راهکارهای اجرایی آن» طی یک سخنرانی با عنوان «تعامل قانون مجازات اسلامی و قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» به تشریح این موضوع پرداخته است. برای اطلاع از گزارش این همایش به پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه قوه قضائیه به نشانی زیر مراجعه شود: <http://www.jpri.ir/Default.aspx?tabid=6104>
- (۴۳) با توجه به اینکه گذشت در جرائم قابل گذشت موجب سقوط مجازات می‌شود (ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی)، شرط گذشت مذکور در ماده (۶۴) تنها ناظر به جرائم غیرقابل گذشت است.
- (۴۴) با توجه به این تزییق ناموجه، ادغام این دو شرط و حذف آن در خصوص جرائم موضوع ماده (۶۵) در اصلاحیه قانون مجازات اسلامی پیشنهاد شده است. برای اطلاع از مفاد این اصلاحیه مراجعه شود به سایت اطلاع‌رسانی معاونت حقوقی قوه قضائیه به نشانی زیر:
- <http://mhgh.ir/DesktopModules/EasyDNNNews/DocumentDownload.ashx?portalid=0&moduleid=534&articleid=1255&documentid=1032>
- (۴۵) هرچند به نظر می‌رسد این رأی وحدت رویه برخی از مشکلات موجود در قانون را مرتفع ساخته است، لکن در خصوص این رأی و انطباق آن با قانون نقدهایی وجود دارد که در گنجایش این مقاله نیست.
- (۴۶) البته چنانچه مرتکب از پرداخت جزای نقدی استنکاف کند، می‌توان در مرحله بعدی از مقررات مربوط به حبس بدل از جزای نقدی استفاده کرد.
- (۴۷) همان‌طور که بیان شد، این دو شرط به‌موجب رأی وحدت رویه در برخی از مجازات‌های جایگزین برداشته شده است. اما با توجه به ایراداتی که در صدور این رأی به نظر می‌رسد، لازم است قانون‌گذار باید با اصلاحات لازم شرایط اعمال مجازات‌های جایگزین حبس را تسهیل کند.
- (۴۸) برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ر.ک.: (Ashworth, 2010: 54)
- (۴۹) این شورا مسئولیت‌های زیر را بر عهده دارد:
- الف: تدوین رهنمودهای تعیین مجازات و نظارت بر اعمال آنها،
- ب: ارزیابی تأثیرگذاری رهنمودها بر رویه تعیین مجازات‌ها.
- پ: ارتقای آگاهی در میان عموم مردم در خصوص واقعیت‌های مربوط به تعیین مجازات و انتشار اطلاعات مربوط به رویه تعیین مجازات در دادگاه‌های صلح و دادگاه‌های سلطنتی (پایگاه اطلاع‌رسانی شورای تعیین مجازات انگلستان به نشانی زیر: <https://www.sentencingcouncil.org.uk/about-us/>)

منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۶)، «جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر» [مقاله در] *مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان*، تهران: میزان.
- آشوری، محمد (۱۳۹۴)، *جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین*، چاپ سوم، تهران: گرایش.

- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۳)، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی؛ واکنش در برابر جرم، جلد دوم*، چاپ دوم، تهران: میزان.
- ادواردز، امی و ریچارد هرلی (۱۳۸۸)، «تحولات زندان‌های انگلستان در دو سده اخیر»، ترجمه حمید بهره‌مند بگ‌نظر، [مقاله در] *تازه‌های علوم جنایی؛ مجموعه مقاله‌ها*، زیر نظر علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: میزان، ۸۵۵-۸۶۷.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۱)، «جایگزین‌های زندان‌های «کوتاه‌مدت» در حقوق کیفری ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۲-۱۱: ۳۱۰-۲۷۷.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران: میزان.
- بابایی، محمدعلی و میثم غلامی (۱۳۹۱) «مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی»، *پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی*، دوره یک، شماره ۳: ۸۰-۵۹.
- تدین، عباس (۱۳۸۷)، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین‌های زندان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۴: ۵۵-۶۶.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۹۴)، *آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۷) «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره جدید، شماره ۶۴: ۸۸-۶۷.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰)، «تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام»، *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، سال سوم، شماره ۴: ۶۸-۴۷.
- حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۴)، *حقوق جزای عمومی (بررسی فقهی - حقوقی واکنش علیه جرم)*، تهران: سمت.
- دولت‌رفتار حقیقی، محمدرضا (۱۳۸۸)، *مفهوم و جایگاه سیاست‌های کلی نظام*، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- ساعدی، زهرا و جلال‌الدین قیاسی (۱۳۹۳)، «چالش‌های اندیشه ناتوان‌سازی گزینشی بزهکاران»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هفتاد و هشتم، شماره ۸۶: ۱۳۹-۱۱۹.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۸)، *حقوق جزای عمومی*، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲)، تکرار جرم به‌عنوان حرفه مجرمانه، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۶۲: ۳۱۵-۲۸۵.
- فرجی‌ها، محمد و زهرا عابدی‌نژاد مهرآبادی (۱۳۸۷)، «مدیریت خطر مجرمان؛ مطالعه موردی بخش کلیات پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی»، *نشریه کارآگاه*، دوره دوم، شماره ۵: ۶۷-۵۲.

مالمیر، محمود (۱۳۸۷)، «حبس‌های کوتاه‌مدت در نظام کیفری ایران»، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۳۸، شماره ۳: ۲۶۹-۲۵۷.

محمدنژاد، پرویز (۱۳۸۴)، حبس‌زدایی و حبس‌زایی در کتاب تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) در مقایسه با قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸، *نشریه اصلاح و تربیت*، سال چهارم، شماره ۴۶: ۳۵-۳۱. مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۹۲) *قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

مکشین، مارلین و فرانک ویلیامز (۱۳۸۱)، «پذیرش فرهنگ زندان»، ترجمه حسین غلامی، *مجله پژوهش حقوق و سیاست دانشگاه تهران*، دوره ۴، شماره ۷: ۱۷۵-۱۵۹. نجفی‌ابرنآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی انگلیسی، فرانسه، فارسی*، تهران: گنج دانش.

همتی، محمدباقر (۱۳۸۵)، بررسی آزادی مشروط در حقوق ایران، *ماهنامه دادرسی*، سال دهم، شماره ۶۰: ۱۲-۷.

یکرنگی، محمد و مهدی ایران‌منش (۱۳۸۷)، «کیفرهای اجتماع‌محور: از نظریه تا عمل با تأکید بر پیش‌نیازهای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۶۴: ۱۱۲-۸۹.

منابع لاتین

Albrecht, H. J. (2012), *Prison overcrowding-finding effective solutions: strategies and best practices against overcrowding in correctional facilities*, Max-Planck-Institut für Ausländisches und Internationales Strafrecht.

Ashworth, A. (2010), *Sentencing and criminal justice*, Cambridge University Press.

<https://www.sentencingcouncil.org.uk/about-us/>